

رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی

در بین دانشجویان

وحیده باباخانی^۱

مریم ممی پور^{۱۱}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی «رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی در میان دانشجویان» صورت گرفت. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. به همین منظور از بین کلیه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی ارشد رشته های مشاوره و باستان شناسی که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر مشغول به تحصیل بودند؛ ۱۵۶ دانشجو بصورت تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و بر اساس رشته تحصیلی در دو گروه قرار گرفتند. سپس جهت بررسی رابطه هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی گروه نمونه، مقیاس های تفکر انتقادی پیتز هانی، هوش هیجانی بار-آن و ادراک تعاملات اجتماعی کارل آر گلاس بعنوان ابزار پژوهش در مورد هر دو گروه مورد اجرا قرار گرفت. در پایان داده های بدست آمده با روش های آماری همبستگی و رگرسیون به وسیله نرم افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های بدست آمده از تحلیل داده ها نشان داد که یک همبستگی و رابطه قوی بین این دو متغیر هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی؛ و بین تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی وجود دارد. همچنین تحلیل یافته ها نشان داد بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بطور کلی با توجه به نتایج بدست آمده از یافته های پژوهش می توان گفت بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، تفکر انتقادی، ادراک تعاملات اجتماعی

^۱ - عضو هیأت علمی گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر و دانشجوی دکتری، مشاوره، علوم و تحقیقات تهران.
Vahideh_Babakhan@yahoo.com

^۲ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، گروه زبان انگلیسی

مقدمه

از جمله مهم‌ترین جنبه‌های زندگی هر فرد، ادراک اجتماعی (social perception) اوست. افراد در زندگی روزمره خود همواره در حال قضاوت درباره رفتارهای دیگران هستند و می‌خواهند بدانند دیگران چه چیزی را دوست دارند؟ چه کاری را می‌خواهند انجام دهند؟ و چرا رفتار خاصی از خود نشان می‌دهند؟ بنابراین در هر یک از این موارد با ادراک دیگران روبه‌رو هستند. از آن‌جا که ما انسان‌ها بصورت اجتماعی زندگی می‌کنیم، درک درست و دقیق رفتارهای دیگران نقش مهمی در زندگی ما ایفا می‌کند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷). ادراک، شامل آگاهی از رویدادها، مردم، اشیاء و موقعیت‌ها می‌شود و مستلزم جستجو، به دست آوردن و پردازش اطلاعات است (جرج (Georg) و کریستیانی (Cristiani)، ۱۹۹۰). ما در فرآیند طبیعی ادراک می‌خواهیم از عواطف و احساسات دیگران اطلاع پیدا کنیم. عوامل زودگذری همچون تغییر خلق، هیجان، خستگی و بیماری همگی ممکن است بر نحوه تفکر و رفتار ما تأثیر بگذارد. از طریق کسب اطلاعات صحیح از احساسات دیگران، گام نخست را در زمینه ادراک اجتماعی بر می‌داریم و نیازمندیم علل رفتار دیگران و صفات ماندگار افراد را بدانیم. فرآیندی که از طریق آن در پی کسب اطلاعات درباره فهم چرایی بر می‌آییم. به عبارت دیگر ادراک تعامل اجتماعی (Perception of social interaction)، فرآیند فعالی است که موجب فهم و درک رفتار دیگران می‌شود و دارای اشکال متفاوت مثبت و منفی است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷). جانسون و تورسک (۱۹۸۳) معتقدند که ادراک تعامل اجتماعی مثبت، ارزیابی‌های خطرآفرین، بسیار خوش‌بینانه و ادراک تعامل اجتماعی منفی، ارزیابی‌های خطرآفرین و بسیار بدبینانه‌ای را موجب می‌شوند. به عبارت دیگر اگر به جای تمرکز بر جنبه‌های منفی در ارتباط‌های اجتماعی (Social communication) بر جنبه‌های مثبت مانند شکل دادن یک رابطه دوستانه صحیح و کمک به دوستان، توجه شود خطرپذیری افراد نیز افزایش می‌یابد.

یکی از جنبه‌های منحصر به فرد انسان و وجه تمایزش از سایر موجودات، تفکر (Thinking) اوست (شریعتمداری، ۱۳۷۲). تمامی دستاوردهای امروزی بشر، نظریه‌ها، سنت‌ها، فرهنگ‌ها، اختراعات و اکتشافات مدیون قدرت تفکر انسان است. صاحب‌نظران حوزه‌های روانشناسی، فلسفه و هنر تعاریف گوناگونی از تفکر ارائه داده‌اند.

یکی از این تعاریف توسط جان دیویی در کتاب «چگونه فکر کنیم؟» بدین صورت بیان شده است: تفکر عملی است که در آن، موقعیت موجود، موجب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود، یا روشی است که در آن باورهای آینده براساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌گردد (شعبانی، ۱۳۸۲). وجود دیدگاه‌های مختلف در زمینه تفکر، دسته‌بندی‌های متنوعی را موجب شده است. در یکی از این

دیدگاه‌ها از تفکر به عنوان ماهیتی یاد می‌شود که دارای ابعاد و انواع گوناگون است و به شکل‌های مختلفی بروز می‌نماید و موجودیت واحدی ندارد. طرفداران این دیدگاه، تفکر را به اجزای مختلفی چون تداعی آزاد، تفکر منطقی، تفکر عملی، تفکر خلاق و تفکر انتقادی تقسیم می‌کنند (بدری گرگری و فتحی آذر، ۱۳۸۶).

فرآیند تفکر در برگیرنده تعدادی از فعالیت‌های ذهنی است که به دو دسته اعمال شناختی و فراشناختی تقسیم می‌شود. اعمال شناختی شامل آن دسته از مهارت‌ها و فعالیت‌های ذهنی است که در جستجوی معنا و معناسازی هستند و اعمال فراشناختی، معانی تولید شده و مهارت‌ها را هدایت و کنترل می‌کنند (شعبانی، ۱۳۸۲).

یکی از انواع تفکر که در حیطه تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد، تفکر انتقادی (Critical Thinking) است (بختیار نصرت آبادی و نوروزی، ۱۳۸۴). تفکر انتقادی یکی از لغات مبهم یا رمز واژه‌های عصر حاضر محسوب می‌شود که علی‌رغم ابهامی که در معنای آن وجود دارد، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ریشه‌های امروزی آن را می‌توان در اندیشه‌های جان دیویی که تفکر بازتابی را در اوایل قرن بیستم مطرح نمود، ردیابی کرد (استاپلتون (Stapleton)، ۲۰۱۱). وی تفکر انعکاسی را توجه دقیق، فعالانه و مستمر به اطلاعات و زمینه‌های حمایت‌کننده از آن و در نظر گرفتن نتایج و تبعات آن اطلاعات تعریف می‌کند. جان دیویی به عنوان پدر تفکر انتقادی مدرن در نظر گرفته می‌شود (وزکان، ۲۰۱۰). اگرچه کلمه «انتقادی» اکثراً به مفهوم گله‌مندان یا شکایت‌آمیز به کار رفته، در اینجا منظور از آن، تیزبینانه (thoughtful) است (سیف، ۱۳۸۷). تفکر انتقادی جزء مهارت‌هایی است که توسط یونسکو برای انسان قرن ۲۱ تعیین شده، و ضرورت توجه به آن در حیطه آموزش امری حیاتی است.

شورای ملی توسعه تفکر انتقادی (۱۹۹۶)، تفکر انتقادی را فرآیندی نظام‌دار و عقلانی می‌داند که در طی آن فرد به طور فعال و متبحرانه به مفهوم‌سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی اطلاعات جمع‌آوری شده می‌پردازد و از راه مشاهده، تجربه، تأمل و استدلال به سوی باور و عمل پیش می‌رود (سنه، ۱۳۸۲). ریچارد پاول تفکر انتقادی را توانایی دستیابی به نتایج منطقی مبتنی بر مشاهده اطلاعات می‌داند (استاپلتون، ۲۰۱۱).

تفکر انتقادی هنر اندیشیدن پیرامون اندیشیدن است تا اندیشه‌ها را بهتر، روشن‌تر، دقیق‌تر، یا قابل دفاع‌تر نماید (شمسایی، الحانی و چراغی، ۱۳۸۹). توانایی‌های ویژه‌ای چون تمرکز بر مسأله، تحلیل و استدلال، قضاوت و داوری درباره منابع اطلاعاتی و اطلاعات حاصل از مشاهدات، استنتاج یا تعمیم از تعدادی مشاهده یا اندیشه به موارد دیگر، تشخیص فرض‌ها، تصمیم‌گیری درباره اعمال و

ایجاد ارتباط با دیگران به نحو مؤثر و ... برای تفکر انتقادی مطرح شده (سیف، ۱۳۸۷) که با توجه به این توانایی‌ها واضح است که تقویت آنها در موفقیت تحصیلی، زندگی و شغل افراد نقش بسزایی دارد. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کسب موفقیت در زندگی، تحصیل و شغل، هوش هیجانی (Emotional Intelligence) بیان شده است (نلیس (Nelis) و همکاران، ۲۰۰۹؛ آنتوناکیس (Antonakis) و همکاران، ۲۰۰۹). هوش هیجانی به معنای داشتن مهارت خودشناسی است. بدین معنی که فرد بداند چه کسی است یا افکار، عواطف، احساسات و ویژگی‌های رفتاری اش چیست. مهارتی است برای ارزیابی و هدایت، که موجب تغییر توانایی‌های انسان برای رسیدن به تعالی، توسعه و ایجاد احساس مثبت در زندگی می‌شود (آقاییار و شریفی، ۱۳۸۸). به نظر گلמן (۱۹۹۵) هوش هیجانی شامل ویژگی‌هایی چون توانایی تهییج و برانگیختن خود، استقامت و پایداری در مقابل شکست، از دست ندادن روحیه، پس راندن افسردگی و یأس در هنگام تفکر، همدلی و صمیمیت و امید داشتن است (ترجمه پارسا، ۱۳۸۲). گلמן، هوش هیجانی را به عنوان بهترین عامل پیش بینی کننده موفقیت در زندگی معرفی کرد که هر شخصی می‌تواند به آن دست یابد و می‌توان آن را یک خصیصه شخصیتی به حساب آورد (به نقل از رهنورد و جویبار، ۱۳۸۷).

هوارد گاردنر (۱۹۸۳) نیز هوش هیجانی را شامل دو مؤلفه "هوش درون فردی" و "هوش میان فردی" می‌داند. هوش درون فردی مبین آگاهی فرد از احساسات و هیجانات خویش، ابراز باورها و احساسات خود، احترام به خویش، تشخیص استعدادها، ذاتی، استقلال در انجام کارهای مورد نظر، و در مجموع میزان کنترل شخص بر هیجان‌ها و احساسات خود است. هوش میان فردی به توانایی درک و فهم دیگران اشاره دارد و می‌خواهد بداند، چه چیزهایی انسان را بر می‌انگیزد. به اعتقاد سالووی و مایر، هوش هیجانی نوعی هوش اجتماعی است که با توانایی نظارت بر هیجانات خود و دیگران، تشخیص آنها و استفاده از اطلاعات برای راهنمایی اعمال و تفکر خود، سر و کار دارد (سالووی و مایر، ۱۹۹۰؛ به نقل از رهنورد و جویبار، ۱۳۸۷). با اندکی تأمل بر تعاریف فوق می‌توان متوجه شد که در اکثر آنها روی یک نقطه مشترک توافق وجود دارد و آن توانایی درک و کنترل هیجانات است و اینکه هوش هیجانی می‌تواند، عامل مهمی برای موفقیت در روابط شخصی، خانوادگی و شغلی باشد. با توجه به مطالب و ویژگی‌هایی که درباره تفکر انتقادی و هوش هیجانی به آن‌ها اشاره شده می‌توان دریافت که هر دو از ارکان اساسی رسیدن به موفقیت هستند؛ بویژه زمانی که در حیطه تعلیم و تربیت مطرح شوند. چرا که ذهن و جسم انسان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، و آنچه انسان درباره اش فکر می‌کند و حتی نحوه اندیشیدن او تحت تأثیر احساسات و محیط اطرافش است. و هر چه انسان در درک ذهنیات

و افکارش توانمندتر باشد، بیشتر می تواند بر آن ها کنترل داشته و در صورت لزوم تغییراتی در آن ها ایجاد کند.

مطالعات و پژوهش هایی که با هدف بررسی رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی انجام شده ارتباط بین این دو متغیر را مورد تأیید قرار می دهد. از جمله مطالعه غنی زاده و معافیان (۱۳۹۰) که نشان داد رابطه معناداری بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان وجود دارد. از میان فاکتورهای تفکر انتقادی دو عامل انعطاف پذیری و مسؤولیت اجتماعی بالاترین همبستگی را با هوش هیجانی داشته و پیش بینی کننده های مثبتی برای هوش هیجانی بودند. افزون بر آن، یافته های تحقیق نشان داد که جنس و سن رابطه میان تفکر انتقادی و هوش هیجانی را تعدیل نکرده و هیچ کدام از این دو عامل نقش معناداری در هوش هیجانی دانشجویان ایفا نمی کنند.

در مطالعه قریب و همکاران (۱۳۸۸) در دانشگاه علوم پزشکی تهران، میانگین نمره کل تفکر انتقادی دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی با استفاده از پرسشنامه کالیفرنیا، در دانشجویان ترم اول ۱۱/۵۵ و در دانشجویان ترم آخر ۱۱/۲۱ گزارش شده است.

در مطالعه ای در دانشگاه کمپ بل که بر روی دانشجویان ترم های ۱ تا ۴ داروسازی انجام شده بود، میانگین نمره تفکر انتقادی ۲۰/۲ (SD = ۵) به دست آمد (کیسنروس، ۲۰۰۹). در مطالعه دیگری در تایوان، میانگین نمره تفکر انتقادی برای دانشجویان پرستاری ۱۹/۳۹ (SD=۲/۹) گزارش شد (ها اوبین و همکاران، ۲۰۰۸). در مطالعه ای در دانشگاه میسوری کانزاس، نمره تفکر انتقادی برای دانشجویان فارغ التحصیل دندانپزشکی، ۱۴/۹ (SD = ۴/۲) به دست آمد (کارن و همکاران، ۲۰۰۶).

مطالعات دیگری نیز با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی با سایر متغیرها صورت گرفته است، از جمله مشهدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی که رابطه هوش هیجانی و مؤلفه های آن با علایم اضطرابی در دانشجویان را مورد بررسی قرار دادند نشان دادند که هوش هیجانی با علایم اضطرابی رابطه معکوس دارد و مؤلفه های وضوح هیجانات و اصلاح خلق قادرند که علایم اضطرابی را پیش بینی کنند. منتظرغیب و احقر (۱۳۸۸) در پژوهش خود که بر روی ۳۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که بین هوش هیجانی و کمرویی در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؛ و هوش هیجانی به عنوان یک تعدیل گر کمرویی عمل می کند و دانشجویان با هوش هیجانی در سطح بالا، کمرویی کمتری را تجربه می کنند. مقدم و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی که به بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان پرداخته اند به این نتیجه دست یافته اند که بین هوش هیجانی با خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد. از بین مؤلفه های هوش هیجانی مؤلفه خودمدیریتی با خلاقیت رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین نمره

دانشجویان در خلاقیت از نظر مقاطع تحصیلی مختلف از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان هوش هیجانی و خلاقیت تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به مطالب و پژوهش های فوق و اهمیت هوش هیجانی در ایجاد سلامت روان و موفقیت افراد در زندگی و امر آموزش و تحصیل پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی این موضوع و پاسخ به این سؤال که «آیا بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد؟» انجام شد.

اهداف تحقیق

۱. بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی در دانشجویان
۲. بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و مقیاس مثبت تعاملات اجتماعی در دانشجویان
۳. بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مقیاس مثبت تعاملات اجتماعی در دانشجویان

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

هوش هیجانی: بار-آن هوش هیجانی را مجموعه ای از توانایی ها، قابلیت ها و مهارت هایی می داند که فرد را برای کنار آمدن با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می کند (بار-آن (Bar-on)، ۱۹۹۹، به نقل از مخبریان نژاد، ۱۳۸۶).

به عبارت دیگر هوش هیجانی عبارت است از توانایی فرد در نظارت باز بینی احساسات و عواطف خویشتن و دیگران و همچنین تمایز این دو احساس از یکدیگر به منظور استفاده از این اطلاعات برای هدایت فکری و عملی (سالووی و می پر (Salovey, & Mayer)، ۱۹۹۰).

تفکر انتقادی: استفاده از مهارت های شناختی و استراتژی هایی است که احتمال نتیجه دلخواه را افزایش می دهد این گونه تفکر هدفمند و وابسته به حواس است. تفکر انتقادی به دانش اموخنگان در نشان دادن توانایی شان در تفکر انتقادانه برقراری ارتباط مؤثر و حل مسأله های آموزشی کمک می کند (هلپرن (Halpern)، ۱۹۹۷).

ادراک تعاملات اجتماعی: به دو مقیاس فرعی تفکر منفی و مثبت تقسیم می شود. در مقیاس فرعی تفکر منفی، فرد تمایل دارد در موقعیت های اجتماعی عصبی باشد و با حفظ افکار انتقادی در مورد تعامل با دیگران عصبانیت خود را تشدید کند. فرد آنقدر به ناتوانی اجتماعی خود معتقد است که در مود نابجا بودن هیچ موقعیتی تردید نمی کند، حتی مطمئن است که آن موقعیت موجب طرد او خواهد شد. در مقیاس فرعی تفکر مثبت، فرد در اجتماع کمتر اضطراب دارد و به مهارت خود از نظر

روابط اجتماعی و آنچه در واقع وجود دارد معتقد است. فرد با نگرش مثبت در موقعیت های اجتماعی حضور پیدا می کند. او معتقد است که عصبی شدن ضرورتی ندارد و حتی اگر واکنش مورد انتظار را نداشته باشد خیلی ناراحت نمی شود (گلسر، ۱۹۸۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر در حقیقت نوعی تحقیق بنیادی بود. این پژوهش با هدف کشف روابط بین متغیرها انجام شد. هدف اساسی این نوع پژوهش تبیین روابط بین پدیده های موجود در تحقیق بود که منجر به افزودن دانش در این زمینه می گردد (حافظ نیا، ۱۳۸۲).

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی است. در طرح مورد بحث با توجه به این که اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیه های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع آوری می شود پژوهش از نوع زمینه یابی نیز است.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی بود؛ که با هدف بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی در دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین رابطه بین تفکر انتقادی و مقیاس مثبت تعاملات اجتماعی در دانشجویان و رابطه بین هوش هیجانی و مقیاس مثبت تعاملات اجتماعی در دانشجویان را نیز مورد بررسی قرار داد.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در دو رشته مشاوره و باستان شناسی که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر مشغول به تحصیل بودند؛ ۲۰۰ دانشجو که دارای شرایط مورد نظر پژوهشگر از جمله: مقطع کارشناسی ارشد رشته های مشاوره و باستان شناسی، ورود به دانشگاه از طریق آزمون (کنکور) و دارای میانگین سنی ۳۰ سال؛ بودند بصورت تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و سپس براساس رشته تحصیلی در دو گروه مساوی (هر گروه ۱۰۰ نفر) قرار گرفتند. و پرسشنامه های مورد نظر در مورد هر دو گروه مورد اجرا قرار گرفت. لازم به ذکر است که پس از اجرای پرسشنامه ها، پرسشنامه ۴۴ آزمودنی به علت نقص حذف گردید؛ و بطور کلی ۱۵۶ پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل با یکدیگر مقایسه و میزان همبستگی سه متغیر موجود در تحقیق در دو گروه آزمودنی ها دو به دو مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

ابزار اندازه گیری

جهت ارزیابی و اندازه گیری متغیرهای پژوهش از سه پرسشنامه تفکر انتقادی پیترهانی (Hani)، پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (Bar-on) و پرسشنامه ادراک تعاملات اجتماعی گلاس (Glass) استفاده شد.

مقیاس تفکر انتقادی پیترهانی (۲۰۰۵) شامل ۳۰ جمله ۵ گزینه ای (هرگز، به ندرت، گاهی، اغلب، و همیشه) است؛ که هرگز ۱ امتیاز و همیشه ۵ امتیاز را به خود اختصاص می دهد. این پرسشنامه به ارزیابی فرد وقتی که در مورد موضوعی انتقادانه فکر می کند می پردازد.

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن شامل ۱۳۳ سؤال و ۱۵ خرده مقیاس می باشد جهت بررسی مجموعه قابلیت ها، صلاحیت ها و مهارت های غیرشناختی در نظر گرفته شده که بر توانایی شخص برای موفقیت در مقابله با درخواست ها و فشارهای محیطی تأثیر دارند. این پرسشنامه برای گروه های هدف از سن ۱۸ سال تا سنین بالاتر، مشروط به این که از حد متعارفی از تحصیلات (حداقل دیپلم) برخوردار باشند قابل اجراست و در دو جنس زن و مرد کاربرد دارد.

خرده مقیاس های این پرسشنامه شامل: حل مسأله (Problem solving)، شادمانی (Happiness)، استقلال (Indepedence)، تحمل استرس (Stress Tolererance)، خودشکوفایی (Self-actualization)، خودآگاهی هیجانی (Emotional self-Awareness)، واقع گرایی (Reality Teshiny)، روابط بین فردی (interpersonal Relationship)، خوش بینی (Optimism)، عزت نفس (Self Regard)، کنترل تکانه (Impulse Control)، انعطاف پذیری (Flexibility)، مسؤلیت پذیری اجتماعی (Social-Responsibility)، همدلی (Empathy)، خودابزاری (Assertiveness). گزینه های پاسخگویی به پرسشنامه بر روی طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) تنظیم شده اند و در بعضی سؤال ها با محتوای منفی یا معکوس از یک به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) انجام می شود. به منظور تسهیل مقایسه نمرات آزمودنی ها نمرات خام به نمرات استاندارد با میانگین ۱۰۰ و انحراف استاندارد ۱۵ تبدیل می شوند.

اعتبار مقیاس های ۱۵ گانه توسط بار-آن (۱۹۹۷-۱۹۹۹) از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ با میانگین ۰/۷۶ گزارش شده است. او سپس آن را از طریق بازآزمایی پس از یک ماه ۰/۸۵ و پس از چهار ماه ۰/۷۵ گزارش کرده است. همچنین جهت بررسی روایی پرسشنامه، ضریب همبستگی نمره های حاصل از این پرسشنامه با سایر پرسشنامه های معتبر هوش هیجانی محاسبه شده که نشان دهنده روایی قابل قبول برای پرسشنامه می باشد (به نقل از مخبریان نژاد، ۱۳۸۶). در ایران نیز

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن اولین بار توسط مخبریان نژاد (۱۳۸۶) هنجاریابی و نتایج ضریب اعتبار کل پرسشنامه ۹۱٪ را گزارش نموده است.

پرسشنامه ادراک تعاملات اجتماعی یک پرسشنامه خودگزارش دهی است که به منظور ارزیابی دو عامل افکار مثبت و منفی نسبت به تعامل های اجتماعی ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که بر پایه مقیاس ۵ درجه ای (۱= این فکر اصلاً به ذهن من نرسیده است؛ ۲= این فکر خیلی کم به ذهن من رسیده است؛ ۳= این فکر گاهی به ذهن من رسیده است؛ ۴= این فکر خیلی زیاد به ذهن من رسیده است؛ و ۵= این فکر همیشه به ذهن من رسیده است) ارزیابی می شود. در نمره گذاری این آزمون دو نتیجه به دست خواهد آمد: یکی در ستون افکار مثبت و دیگری در ستون افکار منفی. برای هر ستون، نمرات متفاوت ۱۵ پاسخ را جمع می نماییم. در این مقیاس افرادی که در مقیاس فرعی تفکر منفی نمره بالایی به دست می آورند، تمایل دارند در موقعیت های اجتماعی عصبی باشند و با حفظ افکار انتقادی در مورد تعامل با دیگران عصبی بودنشان را تشدید کنند. آنها آنقدر به ناتوانی اجتماعی خود معتقد هستند که در مورد نابجا بودن هیچ موقعیتی تردید نمی کنند، حتی مطمئن هستند که آن موقعیت موجب طرد آنها خواهد شد. نمره بالا در مقیاس فرعی تفکر مثبت، برعکس، نشانه‌ی افرادی است که در اجتماع کمتر اضطراب دارند و به مهارت خود از نظر روابط اجتماعی و آنچه در واقع وجود دارد معتقد هستند. این افراد، در موقعیت های اجتماعی، با نگرش مثبت حضور می یابند. آنها معتقد هستند که عصبی شدن ضرورت ندارد و حتی اگر واکن مورد انتظار را نداشته باشند، خیلی ناراحت نخواهند شد. شعار آنها احتمالاً این است: "هر که از خطر بگریزد خطیر نباشد" یا "کسی که خطر نکند به جایی نمی رسد". با این نوع نگرش، نزدیک شدن به دیگران بسیار آسان است. اعتبار این پرسشنامه در پژوهش کوبایاشی (Kobayashi) (۲۰۰۰) برابر با ۰/۸۵ و در پژوهش هادیان (۱۳۸۷) برابر با ۰/۷۳ گزارش شده است.

روش اجرای تحقیق

در این پژوهش جهت بررسی رابطه هوش هیجانی و تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی، ابتدا ۲۰۰ دانشجوی از بین دانشجویان مشاوره و باستان شناسی، که دارای شرایط مورد نظر پژوهشگر بودند بصورت تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و براساس رشته تحصیلی در دو گروه قرار گرفتند. سپس جهت اجرای پرسشنامه ها، هماهنگی لازم با استادان مربوطه به عمل آمد و با تعیین مدت زمان مشخص، طی دو هفته متوالی پرسشنامه های مورد نظر مورد اجرا قرار گرفت. پس از اجرای پرسشنامه های مورد نظر و بررسی آنها، پرسشنامه ۴۴ آزمودنی به علت نقص حذف گردید؛ و بطور کلی ۱۵۶

پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل با یکدیگر مقایسه و میزان همبستگی سه متغیر موجود در تحقیق در دو گروه آزمودنی ها دو به دو مورد بررسی و بوسیله نرم افزار SPSS با استفاده از روش های آماری همبستگی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته های تحقیق

در این پژوهش که با هدف بررسی «رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی» انجام شد، یافته های بدست آمده از تحلیل داده ها نشان داد که یک همبستگی و رابطه قوی بین این دو متغیر هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی؛ و بین تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی وجود دارد. همچنین تحلیل یافته ها نشان داد بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. در این بخش برخی شاخص های توصیفی و استنباطی به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها ارائه می شود.

جدول ۱- شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در ۱۵۶ دانشجوی مورد مطالعه

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
هوش هیجانی	۱۵۶	۴۲۹۵ / ۳۸۰	۳۸ / ۴۴۲۶۰	۱۴۷۷ / ۸۳۴
تفکر انتقادی	۱۵۶	۴۲۳۱ / ۱۵۳	۵ / ۵۳۴۶۹	۳۰ / ۶۳۲۷۵
ادراک تعاملات اجتماعی	۱۵۶	۵۲۵۶ / ۱۸۷	۱۸ / ۲۰۷۹۲	۳۳۱ / ۵۲۸۳۷

جدول ۲- توزیع فراوانی آزمودنی ها براساس جنسیت

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۱۸	۷۵ / ۶
مرد	۳۸	۲۴ / ۴
کل	۱۵۶	۱۰۰

فصلنامه علوم رفتاری / ۷۱

با توجه به جدول فوق ملاحظه می شود، زنان بیشترین فراوانی را با حدود ۷۵/۶ درصد در گروه نمونه به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳- همبستگی ادراک تعاملات اجتماعی با هوش هیجانی

ادراک تعاملات اجتماعی	هوش هیجانی	
۰/۶۸۹	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱	۰	سطح معناداری هوش هیجانی
۱۵۶	۱۵۶	تعداد
۱	۰/۶۸۹	ضریب همبستگی پیرسون
۰	۰/۰۱	سطح معناداری ادراک تعاملات اجتماعی
۱۵۶	۱۵۶	تعداد

با توجه به جدول فوق، که $r = 0.689$ می باشد و با استناد به این نتایج با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۱ رابطه معناداری بین هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی وجود دارد و مقدار این رابطه برابر ۰/۶۸ است که نشان از یک همبستگی قوی و وجود رابطه قوی بین این دو متغیر است. بنابراین می توان گفت بین هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

جدول ۴- ضریب همبستگی بین هوش هیجانی، تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای استاندارد
۱	۰/۵۱	۲۶/۰۱	-/۰۵	۱۸/۲۵۱۲۹

با توجه به یافته های جدول ۴ که نتایج r ضریب همبستگی چندگانه و میزان همبستگی چندگانه بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می دهد. در این جدول $R = 0.51$ حاکی از ضریب همبستگی نسبتاً قوی بین متغیرها است.

ضریب تعیین تعدیل یافته ۰/۵۱ است که نشان می دهد متغیر مستقل یعنی (هوش هیجانی) توانسته به میزان ۰/۰۵ از تغییرات متغیر وابسته یعنی ادراک تعاملات اجتماعی را تبیین کند. بنابراین مابقی

۷۲ / رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی در بین دانشجویان

این تغییرات یعنی $0.95 = 1 - 0.05$ به مجذور کیفیت خطا یعنی e^2 که در اینجا 0.95% است تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می باشد.

جدول ۵- تحلیل واریانس در رگرسیون چند متغیری

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig
رگرسیون	۴۲۱/۱۲۲	۲	۲۱۰/۵۶۱	۶/۳۲	۰/۰۳۳
باقی مانده	۵۰۹۶۵/۷۷۵	۱۵۳	۳۳۳/۱۱۰		
کل	۵۱۳۸۶/۸۹۷	۱۵۵			

جدول فوق که نتایج تحلیل رگرسیون را با درجه آزادی ۲ ($df = 2$) نشان می دهد که با تعداد متغیرهای مستقل که در این پژوهش دو متغیر هوش هیجانی و تفکر انتقادی است می باشد، که درجه آزادی باقی مانده ۱۵۳ است.

$F = 6.32$ نشان می دهد که در سطح خطای 0.05 متغیرهای مستقل یعنی هوش هیجانی و تفکر انتقادی قادرند میزان تغییرات و واریانس متغیر وابسته را نشان دهند.

$Sig = 0.033$ و کوچکتر از 0.05 ، در این صورت فرض تفاوت میانگین تأیید و در مقابل فرض یکسانی آماری آنها رد می شود. یعنی بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

یکی از جنبه های مهم زندگی هر فرد، ادراک اجتماعی اوست؛ که موجب فهم و درک رفتار دیگران شده و دارای اشکال متفاوت مثبت و منفی است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷). در تعاملات اجتماعی دو فاکتور تفکر و احساسات و هیجان ها دخیل هستند. با توجه به اینکه توانایی تفکر به شیوه ای انتقادی عنصری اساسی در جهان معاصر محسوب می شود، جایی که دانش جدید با سرعتی فزاینده در حال تولید است (مارین و هلپرن، ۲۰۱۰) و رشد مهارت های تفکر انتقادی جزء مهارت های مهم انسان قرن بیست و یکم شناخته شده، ضرورت توجه به آن در حیطه آموزش امری حیاتی است. از سویی دیگر

هوش هیجانی نیز به عنوان یکی از وجوه قابل توجه در سازش یافتگی افراد با محیط و از عوامل مهم تفاوت های فردی به شمار می رود؛ چرا که گلمن معتقد است هوش هیجانی می تواند کیفیت عمومی زندگی و موفقیت های شخصی و اجتماعی فرد را ارتقاء دهد (مهانیان خامنه و برجعلی و سلیمی زاده، ۱۳۸۵). بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته مشاوره و باستان شناسی صورت گرفت.

به طور کلی یافته های پژوهش نشان داد بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

در بررسی فرضیه اول مبنی بر «وجود رابطه بین هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی» مقدار رابطه برابر ۰/۶۸ نشان داد یک همبستگی و رابطه قوی بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین می توان گفت بین هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

«بین تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی رابطه وجود دارد» عنوان فرضیه دوم پژوهش حاضر بود که مقدار رابطه به دست آمده یعنی (۰/۵۳) نشان داد یک همبستگی و رابطه قوی بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین می توان گفت بین هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

یافته های به دست آمده از بررسی فرضیه سوم پژوهش که عبارت بود از «هوش هیجانی و تفکر انتقادی، ادراک تعاملات اجتماعی را پیش بینی می کند.» حاکی از وجود ضریب همبستگی نسبتاً قوی بین متغیرها بود. همچنین یافته های بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

محدودیت های پژوهش

۱. از جمله محدودیت های پژوهش حاضر می توان به کمبود پیشینه پژوهش بویژه در ارتباط با متغیر ادراک تعاملات اجتماعی و بررسی رابطه آن با هوش هیجانی و تفکر انتقادی اشاره نمود.
۲. تعداد پایین نمونه آماری، محدود شدن جامعه آماری به دانشجویان و در نتیجه عدم امکان تعمیم نتایج یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر بود.
۳. از آنجایی که در این پژوهش نمونه مورد بررسی از شرایط خاص (مقطع کارشناسی ارشد، رشته تحصیلی خاص) برخوردار بود، این شرایط نیز امکان تعمیم نتایج به دانشجویان سایر مقاطع و رشته ها را محدود می سازد.

۴. وقت گیر بودن تکمیل پرسشنامه بار-آن به دلیل تعداد سؤالات و در نتیجه نیاز به توجیه نمودن دانشجویان و تشویق آن ها به تکمیل پرسشنامه یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر بود.

پیشنهادات پژوهشی

۱. پیشنهاد می شود پژوهش هایی با آموزش مهارت های تفکر انتقادی، با طرح پژوهشی آزمایشی یا شبه آزمایشی در جمعیت های دانشجویی و در سایر رشته ها مورد بررسی ، آزمایش و مقایسه قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی متغیرهای مورد نظر (هوش هیجانی، تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی) در سایر رشته های علوم انسانی نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

منابع

الف- فارسی

۱. آذربایجانی، مسعود. سالاری فر، محمدرضا. عباسی، اکبر. کاویانی، محمد. موسوی اصل، سیدمهدی. غروی، سیدمحمد. خداپناهی، محمدکریم. (۱۳۸۷). روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
۲. آقاییار، سیروس. شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۸۸). هوش هیجانی: کاربرد هوش در قلمرو هیجان. اصفهان: سپاهان.
۳. بدری گرگری، رحیم. فتحی آذر، اسکندر. (۱۳۸۶). مقایسه تدثیر یادگیری مبتنی بر حل مسأله گروهی و آموزش سنتی بر تفکر انتقادی دانشجویان آموزش معلمی. روان شناسی بالینی و مشاوره، ۸(۲)، ۲۷-۴۲.
۴. جرج، ر.ل. کریستیانی، ت.س. (۱۳۸۳). مشاوره، نظریه ها و کاربرد. ترجمه رضا فلاح و محسن حاجیلو. تهران: رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۰).
۵. حافظنیا، محمد رضا. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
۶. رهنورد، فرج اله. جویبار، منوچهر. (۱۳۸۷). مقایسه هوش هیجانی در میان سطوح سه گانه مدیریت. پیام مدیریت، ۲۶، ۱۱۸-۱۰۱.
۷. سنه، افسانه. (۱۳۸۲). راهبردهای آموزش مهارتهای تفکر انتقادی. علوم تربیتی (رشد معلم)، ۱۷۷، ۲۱-۲۴.

۸. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
۹. شریعتمداری، علی. (۱۳۷۲). فلسفه تربیت: پرورش فکر "روشنفکر کیست؟". اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۱۰. شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردهای تفکر). تهران: سمت.
۱۱. شمسایی، فرشید. الحانی، فاطمه. چراغی، فاطمه. (۱۳۸۹). آموزش تفکر انتقادی در پرستاری. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۰(۳)، ۳۱۳-۳۱۷.
۱۲. غنی زاده، افسانه. معافیان، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان زبان انگلیسی. زبانشناسی کاربردی، ۱۴(۱)، ۴۸-۲۳.
۱۳. قریب، میترا. ربیعیان، مصطفی. صلصالی، مهوش. حاجی زاده، ابراهیم. صبوری کاشانی، احمد. خلخالی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). مهارت های تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان ترم اول و آخر مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹(۲)، ۱۳۵-۱۲۵.
۱۴. گلمن، دانیل. (۱۳۸۲). هوش هیجانی. مترجم: نسرین پارسا. تهران: رشد.
۱۵. مخبریان نژاد، راضیه. (۱۳۸۶). هنجاریابی پرسش نامه هوش هیجانی بار-آن در دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۶. مشهدی، علی. سلطانی شورباخورلو، اسماعیل. هاشمی رزینی، سعدالله. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و مؤلفه های آن با علایم اضطرابی. اصول بهداشت روانی، ۱۲(۴)، ۶۵۲-۶۶۱.
۱۷. مقدم، اعظم. نیک بخت، اکرم. نیک نشان، شقایق. سیادت، سیدعلی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان. علوم تربیتی و روان شناسی، ۵(۱)، ۱۱۲-۹۹.
۱۸. منتظرغیب، طیبیه. احقر، قدسی. (۱۳۸۸). رابطه هوش هیجانی با میزان کمرویی دانشجویان دانشگاه. روان شناسی کاربردی، ۴(۱۲)، ۸۶-۱۰۱.
۱۹. مهبانیان خامنه، مهری. برجعلی، احمد. سلیمی زاده، محمدکاظم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. روانشناسی، ۱۰(۳)، ۳۰۸-۳۲۰.
۲۰. هادیان، م. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط ادراک اجتماعی و کنترل خشم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور اصفهان.

ب- انگلیسی

1. Antonakis, J., Ashkanasy, N.M., Dasborough, M.T.(2009). Does leadership need emotional intelligence? *The Leadership Quarterly*. 20(2): 247-261
2. Cisneros, R. M.(2009).Assessment of Critical Thinking in Pharmacy Students. *American Journal of Pharmaceutical Education*.73(4): 66.
3. Halpern, D. F. (1997). Teaching for critical thinking: Helping college students develop the skills and dispositions of a critical thinker. *New direction for Teaching and Learning*, 80, 69-74.
4. Haobin, Y., Wipada, K., Areewan, K., Beverly, A.W.(2008).Promoting Critical Thinking Skills Through Problem-Based Learning. *CMU. Journal of Soc. Sci.and Human*.2(2): 85-100.
5. Johnson, E. J., & Tversky, A. (1983). Affect, generalization, and the perception of risk. *Journal of Personality and Social Psychology*.45, 20-31.
6. Karen, B.W., Colleen, S., Terri, S.I. T., Kris, W., Douglas, R. G.(2006). Predictive Validity of Critical Thinking Skills and Disposition for the National Board Dental Hygiene Examination:A Preliminary Investigation. *Journal Dent Educ*. 70(5): 536-544.
7. Kobayashi, H.(2000).Standardization perception of social; interaction question- naire in Japan.*Japanese Journal of Psychodrama*,67-89.
8. Marin, L.M., & Halpern, D.F.(2010).Pedagogy for developing critical thinking in adolescents: Explicit instruction produces greatest gains. *Think Skill Cre*. 6(1):1-13.
9. Nelis, D., Quoidbach. J., Mikolajczak, M., & Hansenne, M.(2009). Increasing emotional intelligence: (How) is it possible? *Personality and Individual Differences*.47(1):36-41.
10. Ozkan, I.(2010).Telling ELT tales out of school a path to critical thinking. *Procedia Soc Behav Sci*. 3:210-2.

فصلنامه علوم رفتاری / ۷۷

11. Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185-211.

12. Stapleton, P. (2011). A survey of attitudes towards critical thinking among Hong Kong secondary school teachers: Implications for policy change. *Think Skills Creat.* 6(1):14-23.